



نامه ایران به شورای امنیت

سفیر ایران در سازمان ملل در پی حمله تروریستی گروه موسوم به جیش العدل در سیستان و بلوچستان ایران با محکوم کردن این اقدام منفور و وحشیانه تروریستی از شورای امنیت سازمان ملل خواست این اقدامات شنیع را به شدت محکوم و تدابیر مناسب در راستای تعهدات خود در مبارزه با تروریسم اتخاذ کند. امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل روز جمعه به وقت محلی در نامه‌ای به شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل، نوشت: مکاتبه حاضر متعاقب حمله تروریستی مذموم و بزدلانه اخیر در خاک جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است. این حمله هولناک تنها دو روز پس از حمله تروریستی مذموم و نفرت‌انگیز رژیم اسرائیل به اماکن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در پایتخت جمهوری عربی سوریه رخ داد.

سفیر ایران در سازمان ملل، تصریح کرد: گروهک تروریستی جیش العدل که تحت حمایت بیگانگان است، در ساعات پایانی روز چهارشنبه ۲ آوریل ۲۰۲۴ مجموعه‌ای از حملات تروریستی هماهنگ را در شهرهای چابهار و راسک واقع در استان سیستان و بلوچستان انجام داد. مهاجمان در راستای برهم زدن صلح و ثبات، پنج مکان عمومی مهم، پایگاه‌های نظامی و مراکز کنترل امنیتی را هدف قرار دادند و تعداد زیادی غیرنظامی را به گروگان گرفتند.

ایروانی تأکید کرد: اما با وجود انگیزه شوم آنها، واکنش سریع و شجاعانه نیروهای امنیتی و انتظامی ایران، تلاش آنها برای به دست گرفتن کنترل مراکز نظامی و امنیتی در چابهار و راسک را ناکام گذاشت. در جریان عملیات ضدتروریستی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تمامی گروگان‌ها با موفقیت آزاد شدند.

سفیر ایران در سازمان ملل، اضافه کرد: متأسفانه، این اقدامات تروریستی نفرت‌انگیز ۱۰ افسر پلیس و پرسنل امنیتی شجاع را گرفت که خود را در راه دفاع از ملت ما فدا کردند. چند نفر دیگر در حین انجام وظیفه مجروح شدند. علاوه بر این، ۴۴ غیرنظامی در این حملات زخمی شدند. از این تعداد، ۲۹ نفر تحت درمان قرار گرفته و تریخیص شده‌اند و ۱۵ نفر در بیمارستان چابهار تحت مراقبت‌های پزشکی هستند. دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران این گونه اقدامات منفور و وحشیانه تروریستی را به شدت محکوم و بر تعهد تزلزل‌ناپذیر خود برای اطمینان از محاکمه و پاسخگو کردن مسئولان آن تأکید می‌کند.

وی افزود: با توجه به ید طولای اقدامات خشونت‌آمیز گروه تروریستی جیش العدل که تحت حمایت برخی کشورهای خارجی است، علیه غیرنظامیان و کارکنان بیگناه ایرانی، جمهوری اسلامی ایران از شورای امنیت می‌خواهد که این اقدامات شنیع تروریستی را به شدت محکوم کرده و تدابیر مناسب در راستای تعهدات خود نسبت به مبارزه با تروریسم در تمامی اشکال و مظاهر آن که با وحدت قاطعانه و موضع شورای امنیت در بیانیه مطبوعاتی مورخ ۱۶ دسامبر ۲۰۲۳ (۱۵۵۳۴/SC) نشان داده شده است، اتخاذ کند.

ایروانی گفت: جمهوری اسلامی ایران که خود مستقیماً متحمل پیامدهای فاجعه‌بار تروریسم بوده بر تعهد تزلزل‌ناپذیر خود برای رهبری مبارزه با این بلائی خانمان‌سوز ثابت قدم است. ما مصمم هستیم که از مردم سرفراز و نجیب ایران محافظت کنیم و امنیت کشورهای همسایه را از خطرات این گروه‌های تروریستی حفظ کنیم. وی در پایان نامه خود از رئیس شورای امنیت خواست: موجب امتنان خواهد بود چنانچه مکاتبه حاضر را به‌عنوان سند شورای امنیت و مجمع عمومی ذیل بند ۱۰۹ دستور کار تحت عنوان «اقدامات برای از بین بردن تروریسم بین‌المللی» ثبت و توزیع کنید.



وینستون چرچیل، محمد رضا شاه پهلوی، تاشاناس، علی سهیلی

همراه شد. دومین دوره نخست‌وزیری سهیلی ۱۲ ماه دوام یافت. از وقایع مهم این دوره، استفاده هیئت مستشاران مالی آمریکا به ریاست دکتر میلسیو و تصویب اختیارات فوق‌العاده او در مجلس بود که موجب بروز اختلافاتی بین او و اللهیار صالح، وزیر دارایی شد و در نتیجه اللهیار صالح به جای وی به وزارت دارایی رسید. واقعه مهم دیگر شورش عشایر فارس و قتل عام فرمانده و افسران و جمع کثیری از سربازان ارتش در سمیرم و بازداشت ۱۸۰ نفر از افسران ارتش و رجال و روزنامه‌نگاران ایرانی از طرف متفقین به اتهام همکاری با آلمانی‌ها بود. مشکل مهمتر سهیلی، فعالیت مخفی و آشکار آلمان‌ها در ایران بود که شبکه‌ای جاسوسی در ایران به راه انداختند، شماری از مقام‌ها و افراد سرشناس را با خود همراه ساختند و به تحریک قشاقی‌ها و شمار دیگری از عشایر جنوب پرداختند.

علاوه بر این تحولات، در این دوره کنفرانس سران متفقین با عنوان کنفرانس تهران نیز تشکیل شد و طی آن سران متفقین، یعنی روزولت، چرچیل و استالین، طی روزهای ۶ تا ۹ آذر ۱۳۲۲ درباره مسائل جنگ و تحولات بعد از آن گفت‌وگو کردند. در چهارم آذر ۱۳۲۲ ژوزف استالین، رهبر اتحاد جماهیر شوروی به اتفاق ویاجسلاو مولوتف، وزیر امور خارجه و مارشال کلیمنت وروشیلوف وارد تهران شدند. روز بعد وینستون چرچیل، نخست‌وزیر بریتانیا به اتفاق آنتونی ایدن وزیر امور خارجه بریتانیا و همچنین فرانکلین دلانو روزولت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا وارد تهران شدند و کنفرانس سران سه کشور در تهران تشکیل شد. پس از اجلاس اعلامیه مشترکی منتشر شد که از مساعی ایران در جنگ تقدیر شده بود و حفظ و استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ایران را تصدیق کرده بود. البته بعد از پایان جنگ، شوروی برخلاف این تعهد، نه تنها نیروهای خود را از ایران خارج نکرد، بلکه از تحولات تجزیه‌طلبانه در آذربایجان و کردستان ایران هم حمایت کرد.

علی سهیلی، نخستین نخست‌وزیر دوران پهلوی بود که توسط مجلس متهمم و برای محاکمه به دیوان عالی تمییز معرفی و نهایتاً تبرئه شد. سهیلی در سال ۱۳۲۶ به‌عنوان وزیر مشاور به کابینه حکیمی راه یافت. او مدتی هم سفیرکبیر ایران در فرانسه بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد در اواخر سال ۱۳۳۲ به‌عنوان سفیرکبیر ایران در لندن تعیین شد و به موجب آن به لندن رفت و در سال ۱۳۳۷ در همان جا بر اثر بیماری سرطان درگذشت. سهیلی وصیت کرده بود از تشریفات صرف نظر شود ولی مقامات ایران و انگلیس برایش تشییع جنازه مفصلی ترتیب دادند و جنازه‌اش با هواپیمای نظامی به تهران برده شد. جسد سهیلی طی تشریفات خاصی به ایران حمل و در ایوان مقبره ناصرالدین شاه در کنار آرامگاه عبدالحمین هژبر نخست‌وزیر مقتول پهلوی به خاک سپرده شد.

کرده بود. قحطی به حدی اسفناک بود که در نهایت دولت و مجلس مجبور شدند وزارت خواربار تأسیس کنند. نان‌هایی که در آن سال‌ها به مردم تحویل داده شد به علت کمبود آرد و آغشته شدن به خاک اره، به نان‌های خاک اره‌ای معروف شدند. مجموع این اتفاقات باعث شد سهیلی در ۸ مرداد ۱۳۲۱ مجبور به استعفا شود. با استعفا او، احمد قوام به نخست‌وزیری رسید که او نیز با آشوب و بلوای نان سقوط کرد و مجبور به استعفا شد. دوره دوم نخست‌وزیری سهیلی در بهمن ۱۳۲۱ و بعد از سقوط دولت قوام، آغاز شد. او در این دوره نیز ترمش زیادی در برابر کشورهای خارجی به خصوص انگلیس نشان داد؛ چنان‌که در کابینه او بود که با فشار روس و انگلیس، طبق فهرستی که سفارتخانه‌های انگلیس و روس هر یک جداگانه به علی سهیلی داده بودند دستور داد تعدادی از رجال و افراد عادی ایران را به بهانه آلمانوفیل بودن در خانه‌هایشان دستگیر کنند و تحویل مأموران این دو دولت دهند. ادامه فعالیت آلمان‌ها و هواداران ایرانی‌شان به بازداشت عده‌ای از رجال، شامل امرای ارتش، افسران، روزنامه‌نگاران، کارمندان راه‌آهن، مأموران شهرداری و بازگاران به دست نیروهای متفقین انجامید. دولت سهیلی از نیروهای متفقین درخواست کرد نام‌های تمام کسانی را که باید توقیف شوند، در اختیار شهربانی و ارتش قرار دهند و مأموران ایرانی مظنونان را دستگیر کنند. وزرای مختار انگلیس و شوروی با این شرط موافقت کردند که دولت ایران متعهد شود حتی یک نفر از این افراد آزاد نماند.

در هشتم شهریور ۱۳۲۲ نیروهای متفقین اسامی را به شهربانی و ارتش دادند و دستگیرشدگان به زندان شهربانی و زیرزمین‌های سیلو منتقل شدند. سیدابوالقاسم کاشانی، احمد متین‌دفتری، محمد سجادی، علی هیئت، سیدعلی اکبر موسوی‌زاده، سرلشکر ابوالحسن پورزند، سرلشکر فضل‌الله زاهدی، سرتیپ محمدصادق کوهال، سرهنگ حسن بقایی، بهرام آریانا، سرهنگ نادر باتمانقلیچ و... از دستگیرشدگان بودند. این عده بعد از مدتی به اردوگاه نظامی اراک منتقل شدند. بازداشت‌شدگان که اکثراً بعدها به مسئولیت‌های مهم لشکری و کشوری رسیدند، اسارت‌شان دو سال طول کشید و تنها کاشانی بود که تا پایان جنگ در فلسطین، اسیر انگلیس باقی ماند. بعدها کوشش دولت برای رهایی آنان به جایی نرسید و سهیلی، مصلحت را در آن دید که فرمان عفو عمومی صادر کند.

اعلام جنگ به آلمان و کنفرانس تهران

سهیلی در هفدهم شهریور ۱۳۲۲ فرمان اعلام جنگ به آلمان را به امضای شاه رساند و سپس در مجلس حاضر شد و علت اعلام جنگ را فعالیت آلمان‌ها در جاسوسی، تحریک عشایر و عملیات خرابکارانه در راه‌آهن اعلام کرد که با کهن‌زدن‌های تشویق‌آمیز نمایندگان و رأی اعتماد قاطع آنان



علی سهیلی در کابینه محمدعلی فروغی وزارت امور خارجه را برعهده گرفت

سهیلی که در دوره رضاشاه در یک ماموریت دیپلماتیک به مسکو، همراه تقی‌زاده شده بود، توانست با معرفی و حمایت تقی‌زاده نقش تاریخی را در این چند سال ایفا کند. او در مقام وزیر امور خارجه محمدعلی فروغی در انعقاد پیمان اتحاد ایران با متفقین نقش محوری ایفا کرد و در دوره نخست‌وزیری نیز ضمن اعلام جنگ به آلمان میزبان کنفرانس سران متفقین در تهران بود. او که از اعتماد شاه نیز برخوردار بود، نخستین نخست‌وزیری بود که در حکومت پهلوی محاکمه شد و به‌خاطر شکایت نمایندگان مجلس از عرصه سیاسی دور افتاد و در نهایت پس از حدود چهار سال، در سال ۱۳۲۶ به صحنه سیاسی بازگشت اما بیشتر از سفارت در لندن و پاریس را تجربه نکرد و در نهایت نیز در لندن درگذشت

انگلیس در باره مسئله ایران و اشغال کشور مذاکره کرد. نخست دستور ترک مقاومت به ارتش ایران را به اطلاع سر ریدر بولارد، وزیر مختار انگلیس و آندری اسمیرنوف، سفیرکبیر شوروی رساند و از آنان خواست که نیروهایشان عملیات جنگی را متوقف کنند. دو روز بعد در هشتم شهریور بولارد و اسمیرنوف نزد فروغی و سهیلی رفتند و اعلام کردند که دولت‌های متبوع آنها هیچ نقشه‌ای علیه استقلال یا تمامیت ارضی ایران ندارند و از دولت ایران می‌خواهند تعهد کنند که ارتش ایران در جنوب و شمال به پشت خط مشخصی عقب‌نشینی کند، همگی اتباع آلمان به استثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر مهندس را (به شرطی که در نهادهای مخابراتی یا نظامی شاغل نباشند) به نیروهای انگلیس یا شوروی تحویل دهد و اجازه ورود هیچ شهروند آلمانی را به کشور ندهد، وسایل تسهیل حمل و نقل تجهیزات جنگی و غیرجنگی را در خاک خود به وسیله راه‌آهن یا از راه هوا میان نیروهای انگلیسی و شوروی فراهم بیاورد، آنها نیز در مقابل حقوق مربوط به نفت و حق امتیاز شیلات سواحل جنوبی دریای خزر را همچون گذشته خواهند پرداخت، وسایل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران را فراهم خواهند ساخت، پیشروی نیروهای خود را متوقف خواهند کرد و به محض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد، ارتش‌های خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد.

نتیجه این مذاکرات پیمانی موسوم به «پیمان اتحاد» بود. به موجب این پیمان، که در ۹ فصل و سه ضمیمه تنظیم شد، دولت‌های انگلستان و شوروی متعهد شدند ضمن احترام به استقلال و تمامیت ارضی ایران، با دولت ایران متحد شوند و از خاک ایران در برابر هر تجاوزی دفاع کنند و حداکثر شش ماه پس از خاتمه جنگ، قوای خود را از ایران بیرون ببرند. در مقابل، ایران متعهد شد اجازه دهد ارتش‌های انگلیس و شوروی نفرت و مهمات خود را از خاکش عبور دهند و همه وسایل ارتباطی در ایران (راه‌ها، فرودگاه‌ها، بندرها و امکانات مخابراتی) در اختیارشان باشد، در فراهم آوردن مصالح و کارگر برای این ارتش‌ها کمک کند و رسانه‌ها را به نفع آن‌ها سانسور کند. در مقابل، انگلیس و شوروی تعهد کردند که نیروهایشان برای ادارات و پلیس ایران مزاحمتی فراهم نیاورند و حداکثر تا شش ماه پس از جنگ، ایران را ترک نکنند، در پیمان‌های پس از جنگ نیز هیچ چیزی را که به تمامیت ارضی یا حاکمیت یا استقلال سیاسی صدمه بزند، امضا نکنند و اگر چیزی به منافع ایران مربوط بود، با ایران مشورت کنند. این عهدنامه به حضور ارتش‌های شوروی و انگلیس در ایران مشروعبت بخشید و از آن پس دیگر حضور آن‌ها اشغال نظامی به‌شمار نیامد. پنج سال بعد با استناد به همین عهدنامه بود که ایران قطعنامه‌ای را در لزوم خروج ارتش شوروی از خاک خود به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رساند. فروغی در میان جنجال‌ها و اعتراض‌هایی که به این عهدنامه در مجلس شد، توانست آن را در ششم بهمن ۱۳۲۰ به تصویب نمایندگان برساند.

نخست‌وزیری و تلاش برای اداره کشور

پس از امتناع فروغی از پذیرش نخست‌وزیری و البته اوج‌گیری مخالفت‌ها با او در میان نمایندگان مجلس، بریتانیایی‌ها مایل بودند سیدحسین تقی‌زاده به‌نخست‌وزیری برگزیده شود اما او و فروغی، علی سهیلی را برای این پست معرفی کردند. از سوی دیگر نقش سهیلی در کابینه فروغی نیز باعث شده بود شاه نظر مساعدی نسبت به او پیدا کند و از او برای تشکیل کابینه دعوت شد؛ دعوتی که در نهایت اولین دوره نخست‌وزیری سهیلی را رقم زد. در حقیقت ریدر بولارد، وزیر مختار انگلیس در تهران، سیدحسین تقی‌زاده را بهترین جانشین برای فروغی می‌دانست، ولی چون تقی‌زاده نپذیرفت، سهیلی را پیشنهاد کرد و همین سفیر انگلیس، دولت سهیلی را مجموعه‌ای از معقول ایرانیان درست‌کار نامید. این در حالی است که هورنی بروک، وزیر مختار آمریکا در تهران در یکی از گزارش‌هایش درباره اعضای کابینه علی سهیلی نوشته است: «به دقت ارتباط اعضای کابینه با بریتانیایی‌ها را بررسی کرده‌ام. مطمئن هستم که بیش از سه‌چهارم کابینه را قطعاً می‌توان حامی بریتانیا دانست. البته نه از روی انتخاب، بلکه از روی ترس. با دقت که امیدوارم ماهرانه هم بوده باشد زیر زبان تعداد قابل ملاحظه‌ای از مقامات ایرانی را درباره موضوع نفوذ بریتانیا کشیده‌ام. البته به گمانم آنها از بریتانیایی‌ها، بیشتر از هر خارجی دیگری، نفرت دارند ولی از آنها می‌ترسند و در نهایت احترام، به هر گونه توصیه‌ای که از سفارت بریتانیا به آنها بشود، عمل می‌کنند.»

کابینه سهیلی اکثراً همان اعضای کابینه فروغی بودند. او جای خود را در وزارت امور خارجه به محمدساعد مراغه‌ای، سفیر ایران در شوروی داد تا بتواند پل ارتباطی مستحکمی نیز با روس‌ها داشته باشد. در دور اول نخست‌وزیری سهیلی، کشور وضعیت بسیار بدی داشت. به خاطر درخواست متفقین فشار بر مطبوعات هم بسیار زیاد شد و این موضوع بعدها مورد انتقاد شدید بسیاری از فعالان سیاسی همچون دکتر مصدق و روزنامه‌نگاران قرار گرفت. او عملاً نتوانست اقدامات مؤثری برای بهبود وضعیت کشور انجام دهد. در کل در آن سال‌ها وضع اقتصادی ایران اسفناک بود. تورم، بازار سیاه، کمبود خواروبار و قحطی که نتیجه مستقیم حضور ارتش‌های بیگانه بود، موجبات ناراضی‌شدن شدید مردم را فراهم